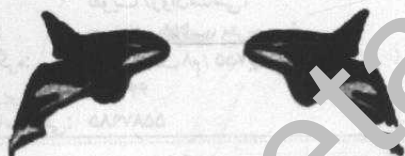


روش مدیریت ویل دان



نیک بلاچارد - تد لاسیناک
چاک تیلپینز - جیم بالارد
مراب حسنوند



انتشارات نیک فرجام

عنوان و نام پدیدآور: روش مدیریت ویل دان [کتاب] نوشته کنت بلانچارد [و دیگران] مترجم مهراب حسنوند.
مشخصات نشر: تهران: نیک فرجام، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۹۵-۷۷-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی: **Whale done parenting: how to make parenting a positive experience for you and your kids, 2009**

یادداشت: نویسندگان کنت یلانچارد، تد لاسیناک، جاک تامپ
کینز، جیم بالارد.
موضوع: تقویت (روانشناسی)
شماره افزوده: حسنوند، مهراب، مترجم
رده بیس کنگ: ۱۳۹۸ الف ۵۸ / HQ۷۵۵
رده بندی: ۶ / ۶۴۹
شماره کتابشناسی: ۵۵۸۷ ۵



کتابخانه ملی ایران

روش مدیریت ویل دان

نوشته‌ی: کنت بلانچارد، تد لاسیناک، جیم بالارد
ترجمه‌ی: مهراب حسنوند

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
حروفنگاری: آبان گرافیک
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۹۵-۷۷-۹

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۴۹۵۸۸۷ - ۶۶۹۷۲۸۱۷ - ۶۶۹۵۲۳۱۵

فهرست مطالب

۹		مقدمه
۱۳		فصل ۱
۱۳		آن‌ها چگونه این کار را انجام دادند
۳۱		فصل ۲
۵۵		فصل ۳
۶۶		برخی واکنش‌های ویل دان
۶۶		در محل کار
۶۷		در خانه
۶۸		برخی واکنش‌های اصلاح مسیر
۶۸		در محل کار
۶۸		در خانه
۷۱		فصل ۴
۹۱		فصل ۵
۱۰۱		فصل ۶

مقدمه

به قلم کنت بلانچارد

در سال ۱۹۷۶؛ همراه با خانواده‌ام برای انجام یک فرصت تحقیقاتی از دانشگاه ماساچوست به سندیه‌گو آمدم. یکی از این کارهایی که انجام شد، بازدید از پارک تفریحی جهان دریاها بود. همه‌ی دوستان و آشنایان توصیه کرده بودند از نمایش شامو^۱، نهنگ قاتل، دیدن کنیم. از آنجا که می‌دانستم نهنگ‌های قاتل از وحشی‌ترین مهاجمان طبیعت هستند، در مورد برنامه‌ی جالب یک چند مژداتی هیچ نظری نداشتم! آیا قرار بود فقط شنا کردن آن‌ها درون یک حوضچه‌ی رنگارنگ را تماشا کنیم؟ پس از ورود به سالن نمایش شامو و شروع برنامه، شگفت‌زده شدیم! خط‌های دقیق از شروع برنامه گذشته بود که همه‌ی ما دیوانه‌وار عاشق این موجودات شدیم. آن‌ها از آب بیرون می‌پریدند، بازی می‌کردند، فرمان‌های مربیان را اجرا می‌کردند، مربیان را بر روی پشت خود حمل می‌کردند ... حقیقتاً مسحور نمایش آن‌ها شده بودم. چه طور توانسته بودند انجام این کارها را به آن‌ها بیاموزند؟ علی‌الخصوص آن‌ها که به نظر می‌رسید از انجام این کارها مشغوف هم هستند!

از سال‌ها پیش در مورد قدرت روابط مثبت، کتاب نوشته و سخنرانی کرده بودم؛ همه‌ی تلاش من وادار کردن مردم به انجام کارهای صحیح برای کسب نتایج سازنده بود تا در محیط خانه و کار عملکرد بهتری داشته باشند. بدیهی است که با دریافت نتایج معکوس در سازمان‌ها و خانه‌ها چه قدر ناامید می‌شدم، گویی غافلگیر کردن افراد حین انجام کارهای اشتباه از موارد بسیار عادی و حتی یک قانون کلی محسوب می‌شد. متقاعد شده بودم که تنبیه؛ مضرترین واکنش برای ایجاد روابط بهینه‌ی انسانی است؛ در آن نمایش متوجه شدم که تنبیه حتی برای آموزش نهنگ‌های قاتل نیز مناسب نیست. این باور زمانی تقویت شد که همراه با گروهی دیگر از تماشاچیان به پشت صحنه‌ی نمایش شامو رفتیم تا با چاک تامپکینز؛ مربی مشهور از پارک تفریحی رولاند، صحبت کنیم. از آنجا که نظرات من و چاک بیش از اندازه به هم نزدیک بودند؛ با هم عاده کردیم؛ او روش آموزش به نهنگ‌های قاتل را به من می‌آموخت و من نیز آموزش به افراد را به او می‌آموختم. در حین انجام کار متوجه شدیم که هر دوی ما اصول کسب و شایه‌ی را تدریس می‌کنیم.

با این حال؛ نکات متعدد و سیدی بود که باید از یکدیگر می‌آموختیم. آنچه مرا شیفته‌ی عملکرد مربیان نهنگ‌ها کرده بود، قدرت خارق‌العاده‌ی آن‌ها در استفاده از روش «اصلاح مسیر» بود. هر بار که یک خنثار نا مطلوب، از سوی نهنگ‌ها سر می‌زد، آن‌ها فوراً انرژی خود را به سمت دیگر معطوف می‌کردند شاید این کار بسیار ساده باشد اما این استراتژی پر قدرت باعث می‌شد که مربیان به راحتی موقعیت جدید برای وادار کردن نهنگ‌ها به انجام کارهای مورد نیاز را کسب کنند.

شما با مشاهدی عملکردهای نادرست افراد که تأثیرات به هم دارند، چه می‌کنید؟ نکته‌ی مهم که چاک و سایر مربیان به من آموزش دادند تا چگونگی را به روی حقایق باز کنم، همین بود. به جای این که همه‌ی انرژی خود را بر روی کار اشتباه انجام شده متمرکز کنید (کاری که اغلب ما انجام می‌دهیم) بهتر است انرژی خود را به سمت نتایج مثبت هدایت کنید. زمانی که من و چاک متوجه تأثیرات خارق‌العاده

ترکیب اصلاح مسیر و تمرکز مثبت بر روابط کاری و خانوادگی شدیم، مذاکره در خصوص نگارش یک کتاب با موضوع چگونگی کاربری این مفاهیم را شروع کردیم. این پروژه همچنان به صورت یک رؤیا باقی ماند تا این که چاک مرا به تاد لاسیناک^۱، رئیس، دوست و همکارش؛ معرفی کرد. پس از آن، ما سه نفر رؤیایپرداز بودیم که باید بر روی یک پروژه کار می کردیم. پس از مدتی؛ من نیز جیم بالارد^۲، یکی از دوستان قدیمی، همکار و شریک پروژه های نگارش خود را به این برنامه دعوت کرده با این گروه قوی؛ پروژه ویل دان را شروع کردیم. این کتاب مرا هیجان زده کرده است چرا که معتقدم مهم ترین کتابی است که تاکنون نوشته ام.

1 Thad Lacinak

2 Jim Ballard